

گستره عصمت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه محدثان فریقین

رضا اردبیلی^۱

چکیده

این پژوهش جایگاه عصمت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه محدثان فریقین را مورد بررسی قرار می‌دهد. انبیای الهی از گناه، معصوم و از خطا مصون‌اند. عصمت، حالتی است که شخص را از قرار گرفتن در خطا و گناه باز می‌دارد؛ براین اساس برای ایشان عصمت از گناهان پیش از تصدی مرتبه پیامبری، عصمت در تلقی و ابلاغ وحی، عصمت از گناهان پس از تصدی مرتبه پیامبری، عصمت از ترک مستحبات، عصمت از گناه سهوی، عصمت از اشتباه در امور عادی و ردایل اخلاقی، عصمت از اشتباه در تبیین دین و اعتقادات و عصمت از اشتباه در نظریات علمی وجود دارد. در این تحقیق، از روش آمیزه‌ای و تلفیقی و به کمک اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی استفاده شده است. در این مقاله تقریب نگاه اهل سنت در مسئله عصمت، دیدگاه شیعی و بیان اختلافات در مسئله و جنبه‌های الهی شخص نبی اکرم و جنبه‌های فردی - اجتماعی در دیدگاه فریقین از جهت عصمت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: عصمت، پیامبر اکرم ﷺ، روایات، فریقین، محدثان.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (ardabili۳۱۳۳۱۳@gmail.com)

۱. مقدمه

عصمت مسئله‌ای کلامی، تفسیری و حدیثی است و به رغم اتفاق فریقین در اصل آن، در دامنه عصمت میان آن‌ها اختلاف وجود دارد که به بیان اختلافات در مسئله و جنبه‌های الهی شخص نبی اکرم و جنبه‌های فردی - اجتماعی در دیدگاه فریقین از جهت عصمت می‌پردازد. در ضرورت این تحقیق باید گفت، هراتخایی در زندگی مبتنی بر نوعی اعتقاد و بینش درباره هستی است؛ لذا اگر ما به جهان، بینش صحیح نداشته باشیم، نمی‌توانیم روش‌ها و کنش‌های خود را تصحیح کنیم و کسانی می‌توانند در این طریق راهنمای ما قرار گیرند که خود راه را بشناسند و از خطا و انحراف مصون باشند.

بنابراین ضروری است که چنین افرادی شناخته شوند و بدانیم عصمت در مورد آنها جاری است و بدون اثبات عصمت به لحاظ زمان و مکان برای اینان اعتماد به آنها دچار مشکل خواهد شد. لذا ضمن اثبات عصمت برای پیامبر اکرم از راهنمایی بدون خطای او بهره برده خواهد شد.

۱-۱. اهداف پژوهش

به رغم اشتراک و هم‌صدایی روایات فریقین در اثبات اصل عصمت برای پیامبر ﷺ، در دامنه و حوزه عصمت، اختلافاتی وجود دارد. براساس روایات شیعه، عصمت پیامبر ﷺ امور دینی و دنیوی و فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ اما براساس روایات اهل سنت، این عصمت منحصر به امور دینی بوده و در امور غیردینی، خطا و حتی معصیت در سیره پیامبر ﷺ راه می‌یابد. هدف در این پژوهش، بررسی جایگاه عصمت پیامبر اکرم ﷺ در دیدگاه محدثان امامیه و غیرامامیه است.

۲-۱. روش پژوهش

در این مقاله از روش آمیزه‌ای و تلفیقی و به کمک اسناد نوشتاری و سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی، به جایگاه عصمت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه محدثان فریقین پرداخته می‌شود.

۱-۳. پیشینه پژوهش

هر چند تاکنون تحقیقات و تألیفات متعددی در مورد عصمت پیامبر ﷺ صورت گرفته است، ولی بر اساس جستجوهای انجام گرفته، تاکنون اثری که مشخصاً به بررسی تطبیقی روایات فریقین در زمینه عصمت پیامبر پردازد، یافت نگردید. لذا این تحقیق با توجه به رویکرد و قلمرو آن فاقد پیشینه است و در نوع خود بکر و جدید است. در ادامه به کتب و پایان نامه ها و مقالات مشابه اشاره می شود:

۱- ۳- ۱. پایان نامه «بررسی عصمت پیامبران در آئینه وحی»، نوشته مجتبی امیری، در چهار بخش با این عناوین تدوین شده است: بررسی فلسفه و ضرورت عصمت پیامبران؛ بررسی عصمت انبیا از نظر عقل و نقل؛ پاسخ به شبهات مطرح پیرامون عصمت پیامبران؛ تأویل ظاهر آیاتی که منافی عصمت انبیای الهی است.

۱- ۳- ۲. عبدالله جوادی آملی در مقاله «عصمت پیامبر و شبهه تنافی با قرآن» آورده: ممکن است ظاهر برخی از آیات منافی با عصمت پیامبر اکرم ﷺ پنداشته شود، عدم تدبیر در این گونه آیات ممکن است باعث این توهم شود که (معاذ الله) زمینه شرک یا تبعیت از اهل کتاب در مقابل پیروی از وحی در وجود مبارک پیامبر بوده است که مورد نهی قرار گرفت و چنین انسانی را نمی توان معصوم خواند که مورد نقد نویسنده قرار گرفته است.

آثار مذکور به عصمت پیامبر اکرم ﷺ فقط در امور دنیوی یا سهوالتبی پرداخته و به واکاوی همه جوانب جایگاه عصمت پیامبر اکرم ﷺ از دیدگاه محدثان فریقین نپرداخته است. در دیگر آثار نیز به بخشی از روایات سهوالتبی اشاره شده و دیگر روایات شیعه و سنی بیان نشده است؛ اما مبنای تحقیق ما بررسی محدثان فریقین در زمینه عصمت پیامبر ﷺ است که از این جهت مسبوق به سابقه نیست.

۱-۴. ادبیات پژوهش

۱-۴-۱. عصمت در لغت

این واژه در لغت به معنای منع، نگهداری و حفاظت استفاده شده است. جوهری می نگارد: عصمت به معنای منع آمده است، «عصمة الطعام» به این معناست که طعام از گرسنگی او ممانعت کرد و عصمت به معنای حفظ است. «اعتصمت بالله» وقتی است که فردی به

مرحمت خداوند متعال از گناه دوری کند (جوهری، بی تا: ۸۷؛ راغب، ۱۴۰۹: ۴۵). فیومی بر این است که: عصمت در زمانی است که خداوند متعال شخصی را از بدی محافظت می کند. عصم یعصمه از باب ضرب یضرب، به این معناست که آن را حفظ کرد و نگه داشت (فیومی، ۱۴۰۵: ۱۲۹؛ زبیدی، بی تا: ۴۶).

۱-۴-۲. عصمت در اصطلاح

عصمت در اصطلاح از دیدگاه دانشمندان متفاوت است که به بیان آن ها می پردازیم: شیخ مفید در این باره می گوید: «عصمت، لطفی از جانب خداوند است که شامل حال مکلف می شود و او را از وقوع در معصیت و ترک اطاعت باز می دارد؛ با این که آن شخص قادر به انجام آن دو است» (مفید، ۱۴۱۴: ۵۶).

شیخ طوسی می گوید: «عصمت امری است که با وجود آن، معصیت از مکلف ممتنع می گردد، درحالی که اختیار فعل معصیت را دارد» (جیلانی، ۱۳۷۲: ۹۶). قاضی بیضاوی شافعی می گوید: «عصمت ملکه ای نفسانی است که مانع از فسق و فجور می شود و متوقف بر علم به عواقب گناهان و مناقب طاعات است» (بیضاوی، ۱۳۹۳: ۵۰).

ابن ابی الحدید می گوید: «اکثر اهل نظر معتقدند که معصوم، مختار و متمکن از فعل معصیت و طاعت است... و اصحاب ما معتزله نیز معتقدند که عصمت، لطفی است که با وجود آن، مکلف با اختیار خودش از فعل قبیح دست بر می دارد» (ابن ابی الحدید، بی تا: ۸۷/۷؛ رضوانی، بی تا: ۱/۱۲۰).

نتیجه این که عصمت به سه معنای، «حفظ، نگهداری و منع» به کار رفته است و در اصطلاح می توان از آن به عنوان لطف، امر، ملکه الهی و نفسانی نام برد که از عمل به معصیت با اختیار انسان جلوگیری می کند.

۱-۴-۳. روایت در لغت

روایت در فرهنگ لغت به معنای حمل آمده است، چنان که می گویند: «رَوَى الْبُعَيْرُ الْمَاءَ»؛ شتر آب را حمل کرد. به فرد سیراب هم به دلیل آشامیدن آب «ریان» گفته می شود (فیومی، ۱۴۰۵: ۸۰؛ زبیدی، بی تا: ۵۶). نیز به معنای داستان، قصه و نمایش نامه آورده شده است (راغب، ۱۴۰۹: ۸۰). روز هشتم ذی الحجة به این دلیل که حاجیان برای رفتن به عرفات آب

حمل می‌کنند، يوم الترویة نام گرفته است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲۰؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۵).

۱-۴-۴. روایت در اصطلاح

در اصطلاح حدیث‌شناسی، واژه روایت مترادف با معنای واژه حدیث است و همان ساحت معنایی کلمه حدیث درباره روایت نیز به کار می‌رود. اگرچه اصطلاح روایت استفاده کمتری در برابر حدیث دارد و حدیث از آن جهت روایت نامیده می‌شود که بیان، عملکرد یا تقریر معصومان را نقل یا حمل می‌کند، راوی حدیث نیز در اصل حامل حدیث است (نصیری، ۱۳۸۳: ۳۰/۱).

بنابراین روایت در اصطلاح، به گفتار، فعل یا تقریر معصوم علیه السلام گفته می‌شود.

۱-۴-۵. فریقین در لغت

فریقین، تشبیه فریق در حالت نصبی و جزئی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۰/۲)؛ در فرهنگ معین بدین معانی آمده است: دو گروه؛ دو فریق؛ شیعه و سنی؛ جن و انس (معین، ۱۳۸۷: ۱۸۰).

۱-۴-۶. فریقین در اصطلاح

فریقین یا فریقان در کتاب‌های مسلمانان معمولاً برای اشاره به دو مذهب اصلی دین اسلام یعنی شیعه و اهل سنت استفاده می‌شود. گاه نیز برای اشاره به جنیان و انسان‌ها به کار رفته است (همان).

نتیجه این که مقصود از فریقین همان دو مذهب شیعه و سنی است که در این تحقیق از آن‌ها سخن به میان می‌آید.

۲. عصمت از گناهان پیش از تصدی مرتبه پیامبری

شیعیان، انبیاء علیهم السلام را از هرگونه گناه و خطا و سهو و نسیان معصوم می‌دانند و از نظر آن‌ها، این عصمت فقط منحصر به زمان نبوت نبوده، بلکه از بدو تولد آغاز می‌شود و تا روزی که از دنیا می‌روند، ادامه دارد (طوسی، ۱۴۱۰: ۹۷).

مسلمانان غیر امامیه در مسئله عصمت پیامبر و این که آن‌ها در چه برهه‌هایی از زندگی خویش از ارتکاب چه اعمالی مصونیت داشته‌اند، اختلاف بسیار دارند و درجات و وهله‌های میان این دو نیز در آرا و اقوال دیگر فرق اسلامی و یا سایر متکلمان مسلمان، جدا از وابستگی‌های فرقه‌ای آن‌ها تجلی پیدا کرده است.

جدایی مبحث عصمت از گناهان، پیش از مرتبه پیامبری، در زمان حضور امامان معصوم علیهم السلام به چشم نمی آید و تأکید امامان معصوم و یاران ایشان، بر تأیید اصل مبحث در این زمانه بوده است.

به نظر می رسد بر اساس منابع موجود، مبحث عصمت انبیا قبل از نبوت، از گناهان کبیره و صغیره، عمدی و غیر عمدی و در حوزه دین و دنیا صدق می کند. اوصیای آن ها نیز از این عصمت بهره مند هستند. این مسئله تا عصر مرحوم شیخ صدوق، مهم جلوه نکرده است و در عصر حیات فکری وی، پیرو بحث از گناهان صغیره و کبیره، این جدایی درباره عصمت پیامبران بیان شد و به عصمت پیامبر اسلام و امام نیز کشیده شد.

نیز باید دقت داشت که اولین بار، شیخ طوسی بود که مبحث عصمت پیامبر از زمان ولادت را بیان کرد (طوسی، ۱۴۰۰: ۹۸)؛ در حالی که گذشتگان فقط به عصمت پیامبر قبل از رسیدن به مرتبه پیامبری دقت داشتند و درخصوص تبیین معنای عصمت از زمان ولادت پیامبر، تعریفی بیان نشده است (فاریاب، ۱۳۸۹: ۱۵۶ و ۱۵۷)؛ هر چند توسط برخی افراد، مورد نقد قرار گرفته است. مرحوم صدوق درباره عصمت پیامبر از برخی گناهان صغیره، پیش از تصدی مرتبه پیامبری، دیدگاهی مبهم دارد (صدوق، ۱۳۶۱: ۷۰).

ابن طاووس معتقد است که انبیا و امامان معصوم کاملاً از گناهان کبیره و صغیره مبرا هستند و نصوصی را که در ظاهر با این عقیده منافات داشت، تفسیر می کرد (کلبی، ۱۳۷۱: ۴۵).

حسینی طهرانی در کتابش نوشته است: امامیه می گویند: تحقیقاً انبیای خدا و امامان معصوم از هر گونه معصیت منزّه اند و از هرگونه اعمالی که موجب استخفاف و نفرت مردم می شود نیز منزّه هستند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۷/۲۴۵).

بر این اساس، انبیای خدا پیش از تصدی مرتبه پیامبری، از گناهان کبیره و صغیره، عمدی و غیر عمدی و در حوزه دین و دنیا عصمت دارند. اوصیای آن ها نیز از این عصمت بهره مند هستند.

برخی از محققان و محدثان اهل سنت نیز به مانند شیعه امامیه بر این عقیده هستند که عصمت انبیا از هر گناهی، قبل و بعد از بعثت را شامل می شود؛ آن چنان که ملا علی قاری نگاشته است: عصمت از گناهان صغیره و کبیره برای انبیا قبل از پیامبری و بعد از آن، مورد تأیید است (ابوحنیفه، بی تا: ۶۸ و ۶۹).

نگارنده کتاب النبراس نیز نوشته است: برخی از دانشمندان بر این نظرند که انبیا قبل از وحی و بعد از وحی از گناهان صغیره و کبیره معصوم بوده‌اند. او این گزاره را در توضیح سخن ابوحنیفه می‌گوید آنجا که آمده است: «أو الأنبياء كلهم منزّهون عن الصغائر و الكبائر» (حسونی‌زاده، ۱۹۹۰: ۴۵۴).

شیخ احمد خلیلی والاترین دانشمند اباضی هم عصر ما نیز نوشته است: «ذهب أصحابنا إلى أنّهم معصومون عن الكبائر و الصغائر في حال النبوة و قبلها» او در ادامه، گریزی به نظر شیعه در این باره می‌زند که: انبیاء از شروع ولادت از هدیه عصمت الهی برخوردار بوده‌اند. همچنین وی در ادامه گفته است: این اعتقاد شایسته مقام اشخاصی است که مورد انتخاب و گزینش الهی قرار گرفته‌اند؛ چون که هر عاقلی این واقعیت را متوجه می‌شود که خداوند متعال برای چنین نقش مهمی، جز افرادی را که پاک‌ترین مایه و والاترین قدرت عقلی و فهمی و درکی و ثابت‌قدم‌ترین در عملکرد و شیوه و سنت برخوردارند، انتخاب نخواهد کرد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۲۴۶/۱۷).

برخی محدثان معتقدند که عدم عصمت از گناهان صغیره، قبل از بعثت وجود داشته است. تعدادی از محدثان اهل سنت بر این نظر هستند که منظور، عدم عصمت از گناهان صغیره‌ای است که موجب تنفر نمی‌شود و این نظر را فخر رازی به اکثر معتزله نسبت داده است (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹: ۲۶). ابن فورک معتقد به جواز کفر انبیا قبل از بعثت است و فقط جواز صدور گناه را به انبیا نسبت داده است (ابن ابی الحدید، بی‌تا: ۷/۹) و عصمت در دایره اعتقادات دینی را مجاز می‌داند.

۳. عصمت در تلقی و ابلاغ وحی

پیامبر ﷺ از دو جنبه معصوم بود: عصمت در اخذ وحی و ابلاغ آن به مردم؛ یعنی وحی را بدون خطا و لغزش دریافت می‌کند و بدون جرح و تعدیل و سهو، آن را به مردم ابلاغ می‌نماید. علاوه بر این در مقام عمل نیز مقید به فرامین الهی است، ولو به طور اشتباهی نیز گناه نمی‌کند.

برای تبیین بیشتر، نیاز است وهله‌های نزول وحی را یاد کنیم که شامل این موارد است: ۱. دریافت وحی از خداوند عزّ و جلّ؛ ۲. فرود آوردن وحی از آسمان به زمین؛ ۳. رساندن وحی به پیامبر ﷺ؛ ۴. ابلاغ وحی توسط پیامبر به مردم (صفایی، ۱۳۵۲: ۷).

در هر یک از این وهله‌ها باید راه‌های تغییر و تحریف وحی بسته شود تا وحی به‌طور کامل و دقیق به مردم برسد. در گام نخست، جبرئیل فرشته وحی بدون هیچ گونه واسطه‌ای وحی را از خدای سبحان دریافت می‌کند؛ فرشته‌ای که مقرب‌تر از او در درگاه خدا نیست. قرآن او را «روح القدس» (نحل: ۱۰۲) نامیده و نیرومند در کار خویش و مقرب نزد صاحب عرش محسوب می‌شود. پس او شایستگی کامل را برای دریافت وحی از خدا دارد (همان: ۶).

در گام دوم، جبرئیل خود مسئول فرود آوردن وحی است و او در نگهداری وحی «امین» است. براین اساس از ناحیه وی نیز وحی الهی مصون است و در کار نزول وحی «نیرومند» است و قرآن او را «ذی قوه» نامیده است.

همچنین برای حراست وحی از فرشتگان تحت امر خود نیز بهره می‌برد و آن‌ها از او به‌طور کامل پیروی می‌کنند. خداوند جبرئیل را در نزد فرشتگان «مطاع» و فرمان‌روای پذیرفته‌شده و اطاعت‌شده نامیده است. فرشتگان دستیار او، اطراف آن را از مقابل و پشت سر، حراست و حفاظت می‌کنند تا وحی به زمین فرود آید و از گزند شیاطین محفوظ بماند.

در گام سوم، جبرئیل بدون واسطه، وحی را بر قلب پیامبر ﷺ فرود می‌آورد. اگر وحی بر حواس ظاهری پیامبر ﷺ نازل می‌شد، جای احتمال خطا در حواس انسان بود؛ اما نزول وحی بر قلب پیامبر (بقره: ۹۷)، احتمال هرگونه خطا را نفی می‌کند. قلب پیامبر ﷺ توانایی تلقی وحی را دارد و وحی بدون واسطه بر آن وارد می‌شود.

در گام چهارم: پیامبر موجودی است برگزیده که شایستگی وساطت وحی را داشته، به‌علاوه امین است (جن: ۲۶-۲۸) و از او در رساندن وحی خیانتی سر نمی‌زند؛ مصون از سهو و فراموشی است، در غیر این صورت غرض الهی از هدایت بشر ناتمام و غیر قابل تحقق می‌شود (صفایی، ۱۳۵۲: ۷).

اگر پیامبر ﷺ در تلقی وحی یا ابلاغ آن خطا کند، نقض غرض می‌شود و مخالف حکمت الهی است و چون خدا بر حفظ وحی قدرت دارد، قدرتش را اعمال می‌کند.

پاره‌ای از متکلمان و محدثان اهل سنت، این مسئله را مورد اتفاق دانسته‌اند (فخر الدین رازی، ۱۴۰۹: ۲۶)؛ اما با مراجعه به منابع کلامی معلوم می‌شود که در همین مورد نیز اختلافاتی وجود دارد. قاضی ابوبکر باقلانی، گناه سهوی را در این زمینه جایز می‌داند (تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵/۵۰).

همچنین، صدور همه گناهان غیر از دروغ در مقام تبلیغ، از منظر اهل سنت جایز است و فخر رازی این نظر را به اهل حدیث و... نسبت داده است (همان: ۲۶/۵). مهم‌ترین بحث در مسئله عصمت پیامبر - که مورد اختلاف شدید میان فرق اسلامی قرار گرفته است -، عصمت در اعمال دینی است. به دلیل کثرت آراء، آن‌ها را به چند گروه می‌توان تقسیم کرد: عصمت مطلق؛ عدم عصمت قبل از رسالت؛ عدم عصمت از گناهان صغیره قبل از بعثت؛ عدم عصمت از گناهانی که موجب نفرت نمی‌شود؛ عدم عصمت از گناهان صغیره پس از بعثت؛ عدم عصمت از صغیره سهو بعد از بعثت؛ عدم عصمت از صغائر ناشی از خطا در تأویل؛ صدور کبائر سهوی؛ صدور کبائر به صورت سری؛ صدور هر گناهی غیر از دروغ (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

۴. عصمت از گناهان پس از تصدی مرتبه پیامبری

انبیا از گناهان پس از تصدی مرتبه پیامبری، از گناهان کبیره و صغیره، عمدی و غیرعمدی و در حوزه دین و دنیا عصمت دارند. یکی از مباحث قابل قبول دانشمندان و محدثان شیعه در این سده‌ها و حتی در دوران معاصر، لزوم عصمت امام علیه السلام از گناه پس از دریافت مرتبه امامت است که تصریح به این مبحث، دست‌کم از دوران امامان پاک علیهم السلام مطرح بوده و تا به امروز نیز ادامه داشته است.

باور به عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله از سیئات پس از رسیدن به مرتبه پیامبری، جریان مشترک بین ناقلان محدثان مکتب قم (برقی، ۱۳۷۰: ۹۲/۱) و همچنین متکلمان مکتب بغداد بود (کراجکی، ۱۴۱۰: ۱۱۲).

در برخی روایات پیامبر به پاکی از گناه و عصمت خود اشاره کرده است: «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۲۰۱)؛ ابن عباس گوید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمودند: من و علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین، پاکیزگان و معصومان هستیم.

گروهی از محدثان اهل سنت براین نظرند که عدم عصمت از گناهان صغیره بعد از بعثت وجود داشته است. باید توجه کرد که این نظریه از برخی معتزله نقل شده است (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹: ۳). محدثان اهل سنت بعد از بعثت، تنها در ناحیه کذب و کفر قائل به عصمت

انبیا هستند؛ اما از خطا و اشتباه و گناه هرگز آن‌ها را مصون نمی‌دانند (کوه‌کمره‌ای، بی‌تا: ۱۰). دسته‌ای از محدّثان بر این هستند که: عدم عصمت از صغیره سهو بعد از بعثت پیامبر، وجود داشته است. فخر رازی این اعتقاد را به پاره‌ای از معتزله نسبت داده است (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹: ۲۷). اهل سنت می‌گویند: بر پیامبران و پیامبر ﷺ گناهان صغیره جایز است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۷/۲۴۵).

گروهی از محدّثان عامه معتقدند: عدم عصمت از صغائر ناشی از خطا در تأویل پیامبر است، به این معنا که ممکن است پیامبر در تفسیر کلام الهی دچار اشتباه شوند، چنانچه حضرت آدم در تشخیص میوه‌ای که از خوردن آن ممنوع شده بود، دچار اشتباه گردید. فخر رازی این نظر را به بوعلی جبایی نسبت داده است (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹: ۲۶). بعضی از محدّثان عامه معتقدند: صدور سهوی کبائر توسط پیامبر، شدنی است. عده‌ای این نظریه را به اکثر متکلمان اهل سنت اعم از معتزله و اشاعره نسبت داده‌اند (ایجی، ۱۴۱۷: ۳۵۹). اشاعره می‌گویند: گناهان کبیره هم جایز است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶: ۱۷/۲۴۵). دسته‌ای از محدّثان اهل سنت معتقدند: صدور کبائر به صورت سری از پیامبر جایز است. عبد الجبار معتزلی نیز آن را به عده‌ای از اهل سنت نسبت داده است (فخرالدین رازی، ۱۴۰۹: ۵۳۹). نتیجه این که این روایات و احادیث هم ادله‌ای هستند نقلی که بر عصمت، تأکید و آن را تأیید می‌کنند. اجزای عصمت از گناهان پس از تصدّی مرتبه پیامبری نیز عبارت‌اند از:

۴ - ۱. عصمت از ترک مستحبات

بنا بر مأخذهای موجود، می‌شود ادعا کرد که مبحث عصمت از ترک مستحبات یا همان ترک اولی، هر چند از برخی روایات قابل استنباط است، ولی در منابع کلامی شیعه تا دوران مرحوم شیخ مفید مهم نبوده است. مرحوم شیخ مفید با بیان آن، باعث طرح این مبحث برای بعضی از متکلمان متأخر شد. مرحوم شیخ مفید، پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین را ولو از ترک سهوی مستحبات، دارای عصمت می‌داند (مفید، ۱۴۱۴: ۱۲۹).

به نظر می‌رسد که همه محدّثانی که در مورد عصمت انبیا بحث کرده‌اند، معترفند که ممکن است پیامبران اولی یا مستحب را ترک کنند و به این ترتیب سعی کرده‌اند آیاتی را که ظاهر آنها به نوعی با عصمت انبیا ناسازگار است توجیه کنند (مصطفوی، ۱۳۸۲: ۱۱۸)؛ هر

چند ترک اولی مطلبی است که در توجیه عصمت برخی پیامبران، مستند و قابل اعتماد و تکیه نیست و این نظر قابل پذیرش نیست و پیامبران از انجام دادن مکروه و ترک اولی هم به دور هستند و معصوم.

۴ - ۲. عصمت از گناه سهوی

اشتباهی را که به ارتکاب یک عمل قبیح - مانند شرب خمر - بینجامد، اصطلاحاً گناه سهوی می‌نامیم. با توجه به مطالب بالا، روشن شد که مقصود از گناهان سهوی، افعال قبیحی است که فاعل، آن را بدون علم و قصد انجام می‌دهد. مرحوم شیخ مفید به صراحت پیامبر را از چنین گناهانی معصوم می‌داند (مفید، ۱۴۱۸: ۲۲) و همین دیدگاه را در صورتی که صدور چنین گناهانی موجب روی گردانی مردم از پیامبر ﷺ شود، می‌توان به مرحوم سید مرتضی نسبت داد (علم الهدی، ۱۴۱۱: ۳۳۸).

محدثان امامیه معتقدند که در کل، پیامبر ﷺ از هر نوع گناه صغیره و کبیره و سهوی و عمدی و... پاک و معصوم و مبرا است.

۴ - ۳. عصمت پیامبر از اشتباه در امور عادی و رذایل اخلاقی

به نظر می‌رسد تبیین این مبحث در زمان حضور امامان معصوم ﷺ، دغدغه اصلی خود امامان معصوم و نیز یاران آنها نبوده است؛ زیرا مطلب خاصی در این باره به دست نیامده است. از کلمات محدثان نیز نظریه قابل اعتمادی به دست نمی‌آید؛ اما در میان متکلمان، مرحوم سید مرتضی را باید نخستین کسی دانست که به صراحت پیرامون این مبحث نظریه پردازی می‌کند و پیامبر و به تبع آن، امام را از چنین اشتباهاتی معصوم نمی‌داند (علم الهدی، ۱۴۰۹: ۱۲۱).

از آن جا که رذائل اخلاقی موجب تنفر مردم می‌شود، بسیاری از فرقه‌های مسلمانان، پیامبر ﷺ را معصوم از رذائل اخلاقی می‌دانند (ایجی، ۱۴۱۷: ۳۵۹)؛ این در حالی است که عصمت در همه عرصه‌های زندگی پیامبر ﷺ مشهود است و از هر نوع اشتباه و گناهی سهوی و عمدی و... پاک و معصوم و مبرا است.

۴ - ۴. عصمت پیامبر ﷺ از اشتباه در تبیین دین و اعتقادات

از آنجا که جامعه شیعی و نیز اندیشمندان آنها، یکی از اغراض نصب پیامبر ﷺ را تبیین دین خدا می‌دانند، از این رو همگی بر این نظر اتفاق دارند که پیامبر ضرورتاً از اشتباه در تبیین دین

معصوم است (علم الهدی، ۱۴۰۹: ۱۲۲). بیشتر محدّثان اهل سنت، عصمت پیامبر در اعتقادات دینی مانند عصمت در کفر و شرک در اعتقادات را پذیرفته‌اند و حتی تفتازانی ادعای اجماع کرده است (نسفی، ۲۰۰۰: ۱۷۰).

یاران امامان معصوم علیهم‌السلام بارها با کلمات خود، باورشان را نسبت به این مبحث اعلام کرده‌اند و محدّثان و متکلمان امامیه نیز از ابن قبه رازی تا مرحوم شیخ طوسی، نسبت به آن تصریح کرده‌اند (همان: ۱۶۱).

۴ - ۵. عصمت از اشتباه در نظریات علمی

امروزه روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام در امور غیر دینی در اختیار داریم و تاریخ نیز شاهد این مدّعاست که امامان معصوم علیهم‌السلام، آن هنگام که فضای حاکم بر جامعه آماده بود، این گونه روایات را بیان کرده‌اند؛ با این همه اگر غالب متکلمان امامیه در پنج سده نخست، به صراحت پیرامون این مبحث نظریه‌پردازی نکرده‌اند، ولی از نظریات آنها پیرامون مبحث علم پیامبر، دست کم می‌توان به لوازم دیدگاه آنها در این بخش دست یافت.

در میان متکلمان یادشده، تنها مرحوم طبری، علم پیامبر را مطلق دانسته است (طبری، بی تا: ۵۷۱)؛ از این رو می‌توان وی را بر این باور بدانیم که پیامبر را از اشتباه در نظریات غیر دینی معصوم می‌داند. همچنین لازمه نظریات مرحوم حلبی راجع به علم پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام - نه متصدی مرتبه پیامبری و امامت - معصوم دانستن آنها از اشتباه در نظریات غیر دینی است (حلبی، ۱۴۱۷: ۱۷۴).

۵. نتیجه‌گیری

انبیای الهی از گناه معصوم و از خطا مصون هستند. هرگز میان کبیره و صغیره، عمد و سهو، پیش از دوران نبوت و پس از آن، فرقی وجود ندارد.

عصمت، حالتی است که شخص را از قرار گرفتن در خطا و گناه باز می‌دارد؛ براین اساس برای ایشان دو نوع عصمت مطرح است: عصمت از خطا و اشتباه که به آن عصمت علمی می‌گویند و مصونیت از گناه که عصمت عملی نام دارد. محدّثان فریقین قائل به عصمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سراسر زندگی‌اش هستند که عبارت‌اند: عصمت از گناهان پیش از تصدّی مرتبه پیامبری؛ عصمت در تلقی و ابلاغ وحی؛ عصمت از گناهان پس از تصدّی مرتبه پیامبری؛

عصمت از ترک مستحبات؛ عصمت از گناه سهوی، عصمت پیامبر از اشتباه در امور عادی و رذایل اخلاقی؛ عصمت پیامبر ﷺ از اشتباه در تبیین دین و اعتقادات؛ عصمت از اشتباه در نظریات علمی.

کتاب‌نامه

* قرآن مجید، مترجم: ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (بی‌تا)، شرح نهج البلاغة، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی.
۲. ابن فارس، أبو الحسین القزوینی الرازی، (۱۳۹۹ ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بی‌جا: دار الفکر.
۳. ابو حنیفه، نعمان بن ثابت، (بی‌تا)، الفقه الاکبر، شارح: علی بن سلطان محمد قاری، محقق: علی محمد دندل، بیروت: دار الکتب العلمیه و منشورات محمد علی بیضون.
۴. ایجی، قاضی عضدالدین عبدالرحمن احمد، (۱۴۱۷ ق)، کتاب المواقف، شرح: سید شریف جرجانی، بیروت: دارالجلیل الاسلامی.
۵. برقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۰ ق)، المحاسن، به کوشش: جلال الدین حسینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر شمس الدین محمود بن عبدالرحمن الاصفهانی، (۱۳۹۳)، طوابع الانوار من مطالع الانظار «مطالع الانظار فی شرح طوابع الانوار»، بی‌جا: راند، اول.
۷. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ ق)، شرح المقاصد فی علم الکلام، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن عمیره، قم: منشورات شریف رضی، اول.
۸. الجوهری، إسماعیل بن حماد، (بی‌تا)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، اول.
۹. جیلانی، علی بن فضل الله، (۱۳۷۲ ق)، توفیق التطبيق، قاهره: بی‌نا.
۱۰. حجت کوه‌کمره‌ای، (بی‌تا)، محسن، تشیع چیست؟ و شیعه کیست؟، بی‌جا: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.
۱۱. حسونی‌زاده، عبدالامیر، (۱۹۹۰ م)، النبراس المنیر فی اللغة العالمیه و جذورها الفصحی، بی‌جا: ذوی القربی.

۱۲. حسینی طهرانی، محمدحسین، (۱۴۲۶ ق)، امام‌شناسی، مشهد: مؤسسه ترجمه و نشر دوره علوم و معارف اسلام.
۱۳. حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۱۷ ق)، تقریب المعارف، تحقیق: فارس تبریزیان، بی‌جا: محقق.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷ ش)، فرهنگ دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد بن فاضل، (۱۴۰۹ ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. رضوانی، علی‌اصغر، (بی‌تا)، امام‌شناسی و پاسخ به شبهات، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول.
۱۷. زبیدی، محمدمرتضی، (بی‌تا)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار المکتبة الحیة.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن الحسین، (۱۳۶۱ ش)، الاعتقادات فی دین الامامیة، قم: جامعه المدرسین.
۱۹. صفایی، احمد، (۱۳۵۲ ش)، نبوت عامه، تهران: پایگاه کتاب‌شناسی کتب کلامی.
۲۰. طبری، محمد بن جریر بن رستم، (بی‌تا)، المسترشد فی الأئمة، تحقیق: احمد محمودی، مؤسسه الثقافة الاسلامیة لکوشانبور.
۲۱. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵ ش)، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، سوم.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۰ ق)، الرسائل العشر، تحقیق: محمد واعظزاده خراسانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۲۳. علم‌الهدی، سید مرتضی، (۱۴۱۱ ق)، الذخیرة فی علم الکلام، تحقیق: سید احمد حسینی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. _____، (۱۴۰۹ ق)، تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم‌السلام، بیروت: دارالاضواء.
۲۵. فاریاب، محمدحسین، (۱۳۸۹ ش)، «سیری بر نظریة عصمت امام، از ابتدا تا قرن پنجم هجری»، مجله معارف کلامی، شماره ۱۵، سال پنجم، شماره اول.
۲۶. فخرالدین رازی، (۱۴۰۹ ق)، عصمة الانبیاء، بیروت: دارالکتب العلمیة.

۲۷. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵ ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: دار الهجرة.

۲۸. کلبرگ، اتان، (۱۳۷۱ ش)، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ترجمه: رسول جعفریان و علی قزایی، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ع).

۲۹. کراجکی، ابوالفتح محمد بن علی، (۱۴۱۰ ق)، کنز الفوائد، قم: مكتبة المصطفوی.

۳۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

۳۱. مصطفوی، زهرا، (۱۳۸۲ ش)، «آرای متکلمان و آیات مورد استفاده ایشان در اثبات عصمت انبیا»، مجله مقالات و بررسی ها، تهران: دانشگاه تهران، دوره ۳۶، شماره ۷۴.

۳۲. معین، محمد، (۱۳۸۷ ش)، فرهنگ فارسی معین، تهران: فرهنگ نما.

۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ ق)، اوانل المقالات، قم: کنگره شیخ مفید.

۳۴. _____، (۱۴۱۴ ق)، تصحیح اعتقادات الامامیه، بیروت: دارالمفید.

۳۵. _____، (۱۴۱۴ ق)، رسالی فی عدم سهو النبی (ص)، بیروت: دارالمفید.

۳۶. _____، (۱۴۱۴ ق)، النکت الإعتقادية و رسائل اخرى، تحقیق: رضا مختاری، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع، دوم.

۳۷. نسفی، عمر بن محمد، (۲۰۰۰ م)، شرح العقائد النسفية، قاهره: المكتبة الأزهرية للتراث.

۳۸. نصیری، علی، (۱۳۸۳ ش)، حدیث شناسی، قم: انتشارات سنابل، اول.